

فردایی که نیامد

الهه عراقی

انتشارات آفاقیا

۱۳۹۴

سرشناسه : عراقی، الهه - ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور : فردایی که نیامد / الهه عراقی
مشخصات نشر : قزوین: انتشارات افاقیا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۸۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۷۸-۹-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیا
شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۸۷۴۸۴



انتشارات آفاقیا

فردایی که نیامد

الهه عراقی

ناشر: آفاقیا

چاپ اول: ۱۳۹۴

شماره نسخه: ۱۰۰

صفحه: ۱۰۰ (مجموعه احمد موبارک)

طرح جلد: عاطفه ابراهیمی

مقابله خوان: امیردیوان

مترجم: سمیه شمس کهریرین

لیتوگرافی: سعیدی چاپ: سعیدی صفحه: ۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۷۸-۹-۸

بها: ۶۰۰۰ تومان

قزوین - خیابان فجر روبروی خانه های بانک مسکن کوچه ۲۸ پلاک ۴

تلفکس: ۳۳۳۶۸۶۳۸ - همراه: ۰۹۱۲۵۸۱۰۹۷۲

صندوق پستی ناشر: ۳۴۱۳۹۵۸۵۵۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

info@aqafia.ir

www.aqafia.ir

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۶۰۴۴

فهرست

۱۰	گوی برفی
۱۲	بازیچه
۱۴	انتظار
۱۶	ذهن خدا
۱۸	خاطرات
۲۰	رویا
۲۲	تابوت
۲۴	کوله بار
۲۶	نقطه کوچک
۲۸	پرسه
۳۰	راهبه
۳۲	سکوت
۳۴	سبک نیمایی
۳۶	ایستگاه خیال
۳۸	مرثیه خوان
۴۰	وقت رفتن

۴۲		حوا
۴۴		بچگی
۴۶		زنجر
۴۸		نگاه
۵۰		شوخی
۵۲		حرمت
۵۴		ق س ن
۵۶		شعر
۵۸		پرواز
۶۰		رفتن
۶۲		متهم
۶۴		نیمکت چوبی
۶۶		نبودن ها
۶۸		تقدیر
۷۰		سیب
۷۲		ساعت
۷۴		کلاغ ها
۷۶		بهانه
۷۸		انسانیت
۸۰		کلبه چوبی
۸۲		کهنگی
۸۴		عادت
۸۶		کام شیرین

پیش گفتار

نامی از خویش در جهان بگذار زندگانی برای مردن نیست

(ناظم هروی؛ سخن ور نامدار)

خوب به یاد دارم که چند سال پیش نخستین بار سرکار خانم الهه عراقی، سراینده ی جوان را «گرو»ی سروده هایشان ترغیب نمودم به طوری که در سال ۱۳۸۹ تحت عنوان «قلب ها همه یخ زده» توسط انتشارات سابق اندیشه زرین، به زیور چاپ و نشر آراسته گردید و «جبر» - نمگیر مخاطبان و شعر دوستان رو به رو شد!

استقبال بی حد خواهان گداخته گران مایه، سراینده را بر آن داشت که دومین مجموعه ی پیش رو تحت عنوان «فردنی که ز آمد» را به دو زبان فارسی و انگلیسی عرضه نمایند. گفتنی است که برگردان انگلیسی اثر به وسیله ی خانم سمیه شمس کهورین صورت گرفته که امید است همچون کتاب پیشین که «از دل برآمده و لاجرم بر دل نشیند!» شاعر مورد بحث طی مصاحبه ای مندرج در «فصلنامه ی «فروردین امروز» به تاریخ ۲۷ آبان ۹۳ چنین بیان داشته اند.

«من الهه عراقی هستم و حدود سیزده سال است که شعر می گویم. این که چه شد وارد این حیطه شدم، بر می گردد به علایق و احساساتم که در سوره ی کودکی شکل گرفته و سبب شده که شعر را، زبانی بیابم که بوسیله آن بهتر می توان احساسات و عواطفم را بر زبان آورم. گرچه در این سال ها، قصه هم گفته ام و داستان سرایی هم کرده ام.

اما بیش ترین گرایش احساسی ام افزون بر هر هنر دیگری، به ادبیات و نظریات شعر و ترانه سرایی بوده است. البته سعی کرده ام در سروده هایم، قالب و سبکی را پیدا کنم که به احساسات شخصی و نیز باورهای فردی ام نزدیک تر باشد و شاید همین هم هست که گذشته از سروده هایی با مضمون احساسی و عاشقانه، اشعاری با موضوعات اجتماعی نیز دارم و کوشیده ام آلام و آمال انسانی را در آن ها بازتاب دهم و اینکه تا چه حد کامیاب بوده ام، موضوعی است که قطعاً مخاطبانم آن را قضاوت خواهند کرد.

مجموعه ای از سروده هایم در سال ۸۹ در کتابی با نام «قلب های یخ زده» منتشر شد

که برخلاف انتظارم، با وجودی که کتاب اولم بود و کسی مرا نمی شناخت مورد استقبال نیز قرار گرفت به طوری که ۵۰۰ نسخه ی آن تنها در نمایشگاه کتاب به فروش رسیدا دومین اثرم نیز که سروده هایی در قالب سپیدم را شامل می شود، در آینده نزدیک به دست چاپ سپرده خواهد شد. این کتاب به صورت فارسی، انگلیسی بوده و به اصطلاح دو زبانه است. در ضمن ترانه سرایی نیز یکی از فعالیت های شعری من است، در چند سال گذشته شماری از ترانه هایم توسط خوانندگان مختلفی خوانده شد و به صورت آلبوم های صوتی به بازار کتاب عرضه گردیده است. اخیراً در حال انتشار عصر تازه ای در این حوزه هستم که ویژه کودکان بوده و با عنوان «لالایی های کودکان» به شکل لوح فشرده (سی دی) منتشر خواهد شد. مجموعه ی ترانه هایی را با درون مایه (تم) عاشقانه آماده کرده ام و به دنبال سدا، خوبی می گردم که آن ها را اجرا کند.

ضمن تشکر از «هنر و روز» از آقای امیر دیوانی [نویسنده - مترجم و ویراستار کتب و مطبوعات] که نظارت بر سروده ها و کتاب هایم را برعهده دارند و از توانایی ها و زحمات شان بابت به راه بردن ام؛ قدردانی می کنم! نگارنده ضمن تایید تلاش های فرهنگی، به یاد شده بر این باور است که امکان دارد کتاب پیش رو نیز، چون آثار دیگر، رای نقایص و نارسایی هایی هم باشد، هم چنان که استاد سخن سعدی می فرماید:

قبا گر حریر است و گر پرنیان به نایا خوش بود در میان

ولی از طرف دیگر می گوید:

به راه بادیه رفتن، به از نشستن باطل و گر امید نیا به قوسع بکوشم
به هر روی در این جهان فانی باید تلاش ورزید و یادگاری از خود رجاء داشت، به قول حکیم فردوسی:

جهان ماندگار است و ما رفتنی به گیتی نماند به جز گفتنی

ضمن آرزوی کام روایی، شادکامی و تندرستی برای این سراینده نخواستۀ دو بیتی از ژاله اصفهانی؛ شاعر معاصر را زینت بخش پایانی این دیباچه می نمایم.
زندگی صحنه ی یکتای هنرمندی ماست هر کسی نغمه ی خود خواند از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یادا

دیباجه‌ی سراینده

بسی خوشنود و دل شادم که دومین دفتر اشعارم را تحت عنوان: «فردایی که نیامد» به چاپ سپرده‌ام. نخستین مجموعه‌ی سروده‌هایم در سال ۱۳۸۹ به نام «قلب‌ها همه به رده» انتشار یافت و با استقبال مخاطبان و شعر دوستان روبه‌رو شد، همین اقبال شمار زیادی از نشر ذوقان، نگارنده را برآن داشت که به نشر اثری دیگر در این زمینه مبادرت ورزم که «بیدوارم اشعار پیش رو و برگردان انگلیسی‌اش مورد پسند همگان قرارگیرد».

در این جا بهتر آن است که ر تلاش‌های ارزنده‌ی خانم شمس کهورین در ترجمه‌ی اشعار به انگلیسی و راهنمایی‌های دلگرم‌کننده‌ی استاد: امیردیوانی صمیمانه سپاسگذاری نمایم. ضمناً آقای مهندس موبدی، مدیر محترم انتشارات افاقیا نیز هستم.

ترجیح می‌دهم با قطعه‌ای پر احساس از دوست عزیزم: خانم صبا زاجکانی دیباجه‌ام را پایان بخشم.

«چه حاصل ... بهارم ... خزان آتش کشید قلب مرا ... وعده‌ی تو، روان، ریشه‌ام را خشکانید؛ زردشدم. خالی از هرچه بودم ... سال هاست که در پילה‌ام به بیدارم ... دیر زمانی است که با سبزی غریبه‌ام ... چه سال هاست که در حسرت اندک من، خوش بختی فردای خیالی را به خود باخته‌ام! چه حاصل ... بهارم خزان کشید قلبم را ...»

الهه عراقی

بهمن ۱۳۹۳